

فصل دوم: ایمان

مقدمه

آرزوی انسان، نیل به سعادت است و ایمان راه رسیدن به این سعادت است.
آثار ایمان: ایمان به آدمی، نشاط، آرامش، اطمینان قلبی، معنا، امید، شجاعت و هدف می‌دهد.
قرآن کریم، ایمان را عامل رستگاری و خروج آدمی از تاریکی‌ها به نور و از ویژگی‌های پرهیزگاران و هدایت‌یافتگان می‌شمارد.
بسیاری از روان‌شناسان، معتقد به نقش ایمان دینی در بهداشت روانی و درمان ناراحتی‌های روحی و روانی آدمی، هستند.

معنای لغوی و اصطلاحی ایمان

جایگاه ایمان: قلب آدمی است.

شناخت ایمان: (امری معنوی و روحی)، از طریق علم حضوری میسر است. و با تعریف لفظی، آشکار نمی‌شود.

اندیشمندان، ماهیت و حقیقت ایمان را از طریق شناخت لوازم آن تا اندازه‌ای، روشن گردانیدند.

ایمان مصدر باب افعال و از ریشه آمن (امنیت یافتن) است. شخص بالیمان، از شك و تردید ایمن است.
تعریف ایمان از دیدگاه حضرت رضا (علیه السلام): تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضا است.^۱
معنای لغوی ایمان: اعتقاد و تصدیق قلبی به چیز یا کسی، معنای لغوی «مؤمن»: شخص دارنده ایمان.
ایمان در اصطلاح: اعتقاد و تصدیق قلبی (به امور غیب) خدا، روز قیامت، کتب آسمانی، ملائکه و پیامبران.
«مؤمن» در اصطلاح: کسی که به همه این امور غیبی تصدیق و اعتقاد قلبی دارد و در عمل نیز به آنها پای‌بند است.

ایمان و معرفت

از دیدگاه قرآن، ایمان مبتنی بر معرفت و علم است؛ ولی چه‌بسا کسانی که علم و معرفت دارند؛ ولی ایمان ندارند.
پس، ایمان به معنای علم نیست؛ ولی مبتنی بر آن است؛ زیرا ایمان به آنچه نمی‌شناسیم، معنا ندارد.
نمونه‌های از علم بدون ایمان از دیدگاه قرآن کریم:
۱. وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَفْتَنَاهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا.^۲ و با آنکه دلهایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند.
بنی اسرائیل در حالی که به معجزات حضرت موسی (علیه السلام) معرفت و یقین داشتند، ولی به دلیل ستم‌کاری، آنها را انکار می‌کردند.
۲. شیطان از عظمت خدا، آگاه بود و هزاران سال بندگی کرد، سرانجام بی ایمان و کافر شد.
قرآن کریم ایمان بدون شناخت میسر ندانسته و موضوع کفر و ایمان را بعد از شناخت راه درست از باطل مطرح نموده و می‌فرماید:
در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند راه درست را از راه انحرافی، روشن کرده است، بنابراین، کسی که به طاغوت (/ بت و شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به رشته محکم و استواری چنگ زده است.^۳
بنابر آیه‌ای دیگر، خشیت الهی از لوازم ایمان و ناشی از علم به خدا است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند.^۴

^۱ (۱). صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۶.

^۲ (۱). نمل (۲۷): ۱۴.

^۳ (۲). بقره (۲): ۲۵۶.

^۴ (۳). فاطر (۳۵): ۲۸.

تفاوت اسلام و مسیحیت در رابطه ایمان و شناخت:

در اسلام، ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است؛ ولی در مسیحیت، باید نخست ایمان بیاورد تا بفهمد. (شناخت مبتنی بر ایمان) برخی ایمان‌گرایان افراطی در مسیحیت ایمان را مبتنی بر عدم شناخت دانسته و معتقدند که هرچا شناخت باشد، ایمان نیست.^۵ این معرفت‌ستیزی به خاطر تحریف در کتاب مقدس مسیحیان است و آموزه‌های از قبیل تثلیث، با عقل سازگار نیست و متکلمان مسیحی برای پذیرش چنین آموزه‌هایی، چاره‌ای جز آن ندیده‌اند که بگویند: ایمان بیاورید تا بفهمید.

ایمان و عقل

از دیدگاه اسلام، ایمان دینی، مبتنی بر عقل است و در حوزه فلسفه دین، منظور از بحث ایمان و عقل، نسبت دین و عقل است. اسلام معتقد است که عقل و دین دو موهبت الهی جهت سعادت است که عقل، دین را و دین، عقل را تأیید می‌کند؛ قرآن مجید نزول قرآن را برای تعقل می‌داند: ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم؛ شاید تعقل کنید.^۶ در آیه‌ای دیگر، بدترین جانوران را کسانی می‌داند که تعقل نمی‌ورزند:^۷ امام کاظم علیه السلام به هشام می‌فرماید: یا هشام ان لله على الناس حجتين: خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجة ظاهرة و حجة باطنة فاما الظاهرة فالرسول و الانبياء و الائمة عليهم السلام و اما الباطنة فالعقول.^۸ حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی. **حجت ظاهری، رسولان و انبیا و امامانند و اما حجت باطنی، عقول مردمند.** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: عقل راهنمای مؤمن است.^۹ هیچ فرقه اسلامی عقلانیت را به کلی انکار نکرده باشد. **اختلاف فقط** در قلمرو و حیطه کارکرد عقل است. بنا بر این، متدینان از هر مسلکی از عقل بهره می‌برند؛ ولی برخی از آنها بیش‌تر و برخی کم‌تر.

ایمان و عمل

از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، ولی از لحاظ مفهوم، متمایزند. و بدون یکدیگر پذیرفته نمی‌شوند. عمل نمود ظاهری ایمان است. و در آیات زیادی، ایمان و عمل صالح با هم ذکر شده‌اند. پس، ایمان بدون عمل، نجات‌بخش نیست. همچنین، عمل از ارکان ایمان شمرده شده است. قرآن کریم، می‌فرماید: بادیه نشینان گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو، ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم.^{۱۰} **کم‌ترین مرتبه ایمان چیست؟** امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال فرمودند: «اینکه آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد و امام زمان خود را بشناسد. هر گاه چنین کرد، او مؤمن است.»^{۱۱} امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که مردی از ایشان پرسید: «آیا هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گواهی دهد مؤمن است؟» حضرت در پاسخ می‌فرماید: «پس واجبات الهی چه می‌شوند؟!» امام علی علیه السلام می‌فرماید: اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود، روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریع نمی‌گشت.^{۱۲} یعنی، ایمان راستین که باعث سعادت آدمی می‌شود، ایمان توأم با عمل است. **ایمان حقیقی** است دارای مراتب مختلف که از کم‌ترین آغاز می‌شود و تا کامل‌ترین پیش می‌رود.

^۵ (۱).

۱. LouisPojman, Philosophy of Religion, p. 793.

^۶ (۲). یوسف (۱۲): ۲. ^۷ (۳). انفال (۸): ۲۲. إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ. E. بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کر و لال‌اند و اصلاً تعقل نمی‌کنند. (۱). کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶.

^۸ (۲). همان، ص ۲۵. العقل دليل المؤمن. ^۹ (۱). حجرات (۴۹): ۱۵. قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا. E. ^{۱۰} (۲). محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۶. ^{۱۱} (۳). کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳.

رابطه عمل و ایمان: تاکنون به رابطه ایمان و عمل پرداختیم که ایمان راستین همواره توأم با عمل است؛

اما اکنون به رابطه عمل با ایمان می‌پردازیم. آیا هر عملی بر ایمان دلالت می‌کند؟

پاسخ: چنین نیست که هر عملی با هر نیتی بر ایمان دلالت کند. تنها عملی ارزشمند است که از سر ایمان و بندگی خدا ناشی شود نه عملی که از سر نفع شخصی و یا عادت و ریا به انجام رسد.

قرآن در باره **عمل بدون ایمان** می‌فرماید.

داستان اعمال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، داستان خاکستری است که در روز طوفانی بادی سخت بوزد که هیچ از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند.^{۱۳}

قرآن کریم، **عمل کافران را مانند سراب** می‌داند که واقعی نیست:

کسانی که کفر ورزیدند، اعمالشان چون سرابی است در بیابان هموار که تشنه آن را آب می‌پندارد.^{۱۴}

ایمان و اختیار

آدمی، می‌داند که در اعمال خود، آزادی و اختیار دارد.

دلایل و نشانه‌های اختیار آدمی:

۱- انسان هر عملی را اوف می‌سنجد و بعد عمل می‌کند ۲- انسان بعد از هر عملی، از آن خشنود یا پشیمان می‌شود.

۳- قرآن کریم آدمی را مختار و پاسخگوی اعمال خود می‌داند. ۴- تقبیح و تحسین افعال ۵- استحقاق عقاب و پاداش رفتار.

ایمان مانند علم نیست که گاه بدون اختیار، در انسان پدید آید؛ مثلاً گاهی در فضایی قرار می‌گیرد که ناگزیر صدایی را می‌شنود.

ایمان، چون امری اختیاری است، دارای ارزش است و اگر اجباری بود، ارزش نداشت.

خداوند، در مورد **اختیاری بودن ایمان**، می‌فرماید: (ایمان و کفر دو امر اختیاری است).

و قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.^{۱۵}

بگو، دین حق، همان است که از جانب پروردگار شما آمد. پس هرکه می‌خواهد ایمان آورد. و هرکس می‌خواهد کافر گردد.

همچنین خداوند، در قرآن کریم می‌فرماید:

کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان بر ایشان گشوده نمی‌شود و در بهشت در نمی‌آیند.^{۱۶}

نتیجه آنکه ایمان و کفر دو امر اختیاری است و آدمی باید با تفکر، بهترین راه را- که همان پذیرش واقعی ایمان است- برگزیند.

متعلقات ایمان

مصادق‌های فراوان متعلقات ایمان، همگی به توحید و ایمان به خدا بازگرداند؛

برخی از متعلقات ایمان در آیات قرآن کریم:

۱. ایمان به خدا؛ ۲. ایمان به آخرت؛ ۳. ایمان به رسالت پیامبر اسلام و انبیای گذشته؛ ۴. ایمان به قرآن و کتب الهی پیشین؛ ۵. ایمان

به ملائکه؛ ۶. ایمان به امامت؛ ۷. ایمان به عالم غیب.^{۱۷}

ایمان به **خدا**، ایمان به **رسالت** و ایمان به **معاد** دارای اهمیت و از اصول دین هستند. و دیگر متعلقات از لوازم اعتقاد به این اصول‌اند.

از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: **قولوا لا اله الا الله تفلحوا**.^{۱۸} بگوئید هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست تا رستگار شوید.

^{۱۳} (۱) ابراهیم (۱۴): ۱۸.

^{۱۴} (۲) نور (۲۴): ۳۹.

^{۱۵} (۱) کهف (۱۸): ۲۹.

^{۱۶} (۲) اعراف (۷): ۴۰.

^{۱۷} (۱) بقره (۲): ۳ و ۴؛ اعراف (۷): ۱۵۸.

^{۱۸} (۲) محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

عالم غیب چیست؟ عالم غیب، در برابر عالم شهادت قرار دارد.

«عالم شهادت» یا «محسوس»: عالمی که از طریق حواس درک می‌کنیم.

«عالم غیب»: ۱- از طریق حواس قابل درک نیست؛ ۲- اعتقاد به وجود آن از طریق عقل یا شهود و رؤیت قلبی است.

۳- ایمان به عالم غیب، در واقع، جدا کننده نگرش دینی از الحادی و مادی‌گرایانه است.

۴- آدمی با تأمل عقلانی و شهود قلبی می‌تواند به این عالم نفوذ یابد و از طریق عقل، وجود برخی اوصاف آن را اثبات نماید.

درجات ایمان

۱- ایمان، حقیقی است دارای درجات مختلف و اهل ایمان در درجه ایمان، یکسان نیستند.

۲- هرچه ایمان فرد، قوی‌تر باشد، ظرفیت وجودی او بیش‌تر بالا می‌رود و سعادت بیش‌تری نصیب او می‌گردد.

۳- مرتبه برتر ایمان، آن است که فرد به درجه عصمت می‌رسد و هدنی جز رضایت خداوند ندارد.

۴- هرگاه معرفت مؤمن عمیق‌تر گردد و عمل صالح او بیش‌تر شود، ایمان او نیز استواری بیش‌تری می‌گیرد.

قرآن کریم در مورد (وجود مراتب مختلف ایمان) می‌فرماید:

مومنان کسانی هستند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.^{۱۹}

او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.^{۲۰}

امام صادق علیه السلام فرموده است:

ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود.^{۲۱} (ایمان دارای مراتب و درجات است.)

امور که مؤمن برای توانمندتر ساختن ایمان خویش، باید مراعات کند:

۱. در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض گردد؛ نه آنکه به برخی احکام ایمان آورد و به برخی دیگر کفر بورزد؛

۲. به متعلقات ایمان، علم یابد و بر این علم خویش پیوسته بیفزاید و دلایل متقن و روشنی برای آن پیدا کند و اگر با شبهاتی مواجه است، با دلایل روشن، آنها را از میان بردارد؛

۳. به متعلقات ایمان بیش‌تر توجه کند و پیوسته به یاد خدا و قیامت باشد؛

۴. بکوشد تا به لوازم ایمان پای‌بند باشد. اگر ایمان دارد که خداوند ناظر اعمال و کردار آدمی است، در برابر چنین خدایی، گناه نکند و اگر می‌داند که در قیامت، به همه کارهای خوب و بد آدمی رسیدگی می‌شود، پیوسته حساب روز قیامت را به یاد آورد تا نگذارد هوای نفس بر او غلبه کند و فرمان خدا را زیر پا بگذارد.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، شناخت انسان از دیدگاه قرآن، ج ۴، مؤسسه امام صادق، قم ۱۳۸۳.

۲. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران ۱۳۷۲.

۳. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم ۱۳۸۰.

۴. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان در مجموعه آثار، ج ۲، انتشارات صدرا، قم، تهران ۱۳۷۴.

۵. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن در مجموعه آثار، ج ۲، انتشارات صدرا، قم، تهران ۱۳۷۴.

۶. رجعی، محمود، انسان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۸۱.

^{۱۹} (۲) انفال (۸): ۱۰۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ. E۱

^{۲۰} (۳) فتح (۴۸): ۱۰۴. هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ. E۱

^{۲۱} (۱) محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵، حدیث ۲.